

مرگ کمتر، تولد کمتر

ترجمه دکتر غلامعلی غفاری

کارشناس بهداشت

اگر در آنچه نظم نوین جهانی خوانده می‌شود، برای رفع مشکلات سوءتغذیه، بیماریهای قابل پیشگیری و بی‌سوادی گسترده فکری نشود، کاهش رشد جمعیت و حرکت در جهت بهبود بخشیدن به شرایط زندگی بسیار مشکلتر خواهد شد.

گاه در برابر حمایت عمومی از رفع سوءتغذیه و بیماریهای کودکان این نظر گاه مطرح می‌شود که هر گونه تلاش و توفیق در این زمینه، خود موجب رشد سریع جمعیت و نهایتاً وخامت بیشتر وضع می‌شود. این نظر امروز از لحاظ اخلاقی و آمارهای جمعیتی کاملاً مردود شناخته شده است. در گزارش سال گذشته وضعیت کودکان جهان، این موضوع به تفصیل مورد بررسی و بحث قرار گرفته که کاهش مرگ و میر کودکان یکی از عوامل نیرومند مهار رشد لگام گسیخته جمعیت است.

چهار عامل عمده موجب کاهش زاد و ولد است که عبارت اند از:

۱. افزایش درآمد،
۲. افزایش آگاهی و باسوادی زنان،
۳. کاهش مرگ و میر کودکان، و
۴. تنظیم خانواده.

جمع شدن این عوامل تأثیراتی به مراتب زیادتر از تأثیر تک تک آنها دارد. بنابراین این، رفع نیازمندیهای مردم هیچ گونه مغایرتی با کنترل زاد و ولد آنها ندارد و در واقع این هر دو در یک راستا پیش می‌روند.

ارتباط خاص میان کاهش مرگ و میر کودکان و پایین آمدن میزان تولد آنها یکی از حیاتیترین موضوعاتی است که متأسفانه کمتر مفهوم بوده است.

به‌طور کلی، کاهش مرگ و میر کودکان به کاهش نرخ زاد و ولد کمک می‌کند، زیرا موجب افزایش اعتماد والدین به ثبات ساختار خانواده و عدم نیاز به زاد و ولد زیاد از راه احتیاط و به جبران از دست رفتن احتمالی کودکان می‌گردد. بنابه گزارش سال ۱۹۹۱ برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP)، «ممکن است تصور شود در صورت بقای کودکان مشکل جمعیت وخیمتر می‌شود. کاملاً برعکس، وقتی والدین از زنده ماندن کودکانشان اطمینان یابند زاد و ولدشان کم می‌شود.»

اما استحکام ارتباط میان کاهش مرگ و میر و کاهش تولد به مرحله‌ای بستگی دارد که کشور در آن قرار گرفته است. در مراحل اولیه که مرگ و میر زیر پنج سالگی از سطحی بالا رو به کاهش می‌گذارد هنوز والدین اعتماد لازم را کسب نکرده و از زاد و ولد زیاد خود دست برنداشته‌اند. خوشبختانه بسیاری از کشورها این مرحله را پشت سر گذاشته‌اند. در مرحله بعدی که مرگ و میر زیر پنج سالگی از ۲۰۰ در هزار نوزاد زنده متولد شده رو به کاهش می‌گذارد، ارتباط بین کم شدن مرگ و میر و کاهش تعداد وقایع تولد هنوز سست است. اما وقتی مرگ و میر کودکان به کمتر از ۱۵۰ می‌رسد و به رقم ۱۰۰ و کمتر میل می‌کند نظیر آنچه در کشور هند و کشورهای مشابه پیش آمده رفتار باروری به صورتی پایدار و مداوم ظاهر می‌شود. در این دوره است که اغلب کشورها تدریجاً شاهد کاهش زاد و ولد ناشی از پیشرفت در کاهش مرگ و میر کودکان می‌شوند.

اینها مطالبی است که تاکنون گوش شنوایی برای آنها نبوده است. غالب کشورهای آسیا و امریکای لاتین اولین مرحله گذار را - که در آن زاد و ولد ممکن است تحت تأثیر کاهش مرگ و میر کودکان قرار بگیرد یا نگیرد - پشت سر گذاشته‌اند و به مرحله‌ای نزدیک شده و یا پا گذاشته‌اند که می‌توان در آن کاهش بیشتر زاد و ولد را در ارتباط با کاهش مرگ و میر کودکان انتظار داشت. به عبارتی دیگر، کاهش مرگ و میر

کودکان اکنون به نقطه‌ای رسیده که احتمالاً بتواند بارزترین نتیجه را در کاهش زاد و ولد به بار آورد و این به نوبه خود می‌تواند کاهش بیشتر مرگ و میر را در پی داشته باشد. در افریقا، که نسبت مرگ و میر زیر پنج سالگی در غالب کشورها بین ۱۵۰ تا ۲۵۰ باقی مانده است، ضروری است که در گذار از این مرحله به منظور پایان دادن به دوره رشد بسیار زیاد جمعیت - تعجیل کرد.

موریس استرانگ، دبیر کل اولین اجلاس «دنیا محیط زندگی» در بیست سال پیش در استکهلم گفت: «برای کاستن از بیماری کودکان و سوءتغذیه آنها به منظور نیل به اهدافی که در اجلاس سران برای کودکان مطرح خواهد شد باید کوشش کرد»، و در کنفرانس جهانی «محیط و توسعه» در ریودوژانیرو در سال جاری نیز گفته شد که «کمک به کاهش رشد جمعیت برای توسعه ماندگار محیط در قرن ۲۱ و پس از آن بسیار ضروری است.»

بنابر این، تجدید عهد برای حمایت از سلامت و زندگی کودکان جهان در دهه جاری دقیقاً در راستای دیگر اقدامات بزرگ بشری است که برای کاهش رشد جمعیت و حفظ محیط زیست صورت می‌گیرد.